

پیش‌بینی شیوه‌های فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مادران دارای کودک مبتلا به اختلال بیش‌فعالی - نقص توجه

لیلا خالقی*

کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی شیوه‌های فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مادران دارای کودک مبتلا به اختلال بیش‌فعالی-نقص توجه بود. به این منظور ۵۰ مادر دارای کودک ۷-۱۲ ساله دارای اختلال بیش‌فعالی-نقص توجه مراجعه‌کننده به مرکز درمانی موسی بن جعفر شهر یزد با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و دو پرسشنامه فرم کوتاه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری را تکمیل کردند. یافته‌ها نشان داد طرحواره بازداری هیجانی بیش‌بین خوبی برای شیوه فرزندپروری مقتدرانه است و رابطه منفی معناداری باهم دارند. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران دارای کودک مبتلا به اختلال بیش‌فعالی-نقص توجه، شیوه فرزندپروری مقتدرانه را پیش‌بینی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه؛ شیوه فرزند پروری؛ اختلال بیش‌فعالی - نقص توجه

مقدمه

بر اهمیت خانواده و محیطی که هم اختلال و هم بچه در آن رشد می‌کند تاکید می‌کنند بارکلی، ۱۹۸۲؛ هالوول و ریتی، ۱۹۹۴). تربیت و فرزند پروری، یکی از مهمترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان قلمداد می‌شود (ایگ، بیکر، باتس، ۱۳۸۷). طبق نظریه هاینز کوهات، تمام جنبه های خود بزرگسال (مثبت و منفی) به وسیله روابط اولیه کودک با مادر شکل می‌گیرند، همچنین بر اساس نظریه ملانی کلاین، کودک از مادر لذت کسب می‌کند و این اعتماد به نفس و توانایی درک کردن دیگران و رابطه برقرار کردن با آنها را افزایش می‌دهد. بنابراین تمام روابط دیگر از رابطه شی بنیادی به وجود می‌آیند.

پیازه (۱۹۵۴) و بالبی (۱۹۶۹)، معتقدند که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام طرحواره می‌شود. این طرحواره‌ها در زندگی فرد به عنوان عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه در طی تجارب کودکی شکل گرفته و پاسخ فرد به رخدادهای محیطی را کنترل می‌کند. اگر چه عوامل مربوط به جامعه، مدرسه و همسالان در شکل‌گیری این طرحواره‌ها موثر هستند، اما اثر آنها وسعت و ثبات اثر عوامل خانوادگی را ندارد و نیز ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف و بسیاری از اختلالات محور I باشد (یانگ، کلاسکو، ویشار، ۱۳۹۱). گانتی و بوری (۲۰۰۸)، در بررسی اثر عملکرد والدین در رابطه با سه مولفه مهرورزی، اقتدار و کنترل و شکل‌گیری طرحواره‌های ناکارآمد بیان می‌کنند که عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده معناداری برای برخی طرحواره‌ها هستند.

بارانف و نیان (۲۰۰۷) و رایب و همکاران (۲۰۰۷)، نشان دادند که سبک والدینی بر طریقه شکل‌گیری طرحواره‌ها اثر دارد (نقل از شهامت و همکاران، ۱۳۸۹). بامریند، سبک فرزند پروری را به عنوان کار کرد کنترل والدین معرفی می‌کند و بر اساس دو بعد گرمی و کنترل سه شیوه فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را تشخیص داده است (ماسن، کیگان، کارول، کانجر، ۱۳۶۸).

راسل بارکلی (۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰) اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی را عمدتاً مشکل در بازداری رفتاری می‌داند که منجر به احساس غلط در آگاهی و مدیریت زمان می‌شود. بارکلی خاطر نشان می‌کند که این افراد در کارکردهای اجرایی که شامل تعدادی از رفتارهای خودگردان از قبیل حافظه کاری که توانایی نگهداری مطالب در ذهن همزمان با پرداختن به تکالیف شناختی دیگر است، گفتار درونی و خودتنظیمی هیجان‌ها مشکل دارند (کاپلان، سادوک، ۱۳۸۶، هالاهان و همکاران، ۱۳۹۱). رابطه والد - کودک در جهت کمک به بروز علائم بیش‌فعالی / نقص توجه به طرز پیچیده‌ای با عوامل عصبی - زیستی تعامل می‌کند (دیویسون، کرینگ، میل، جانسون، ۱۳۹۱، کاپلان، ۱۳۸۶). لذا، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی شیوه‌های فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مادران دارای کودک مبتلا به اختلال بیش‌فعالی - نقص توجه بود.

روش**شرکت‌کنندگان**

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر مادران یزدی دارای کودک ۷-۱۲ ساله مبتلا به اختلال بیش‌فعالی / نقص توجه مراجعه‌کننده به مرکز درمانی روانپزشکی موسی بن جعفر شهر یزد بود. ۵۰ مادر که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. سن همه شرکت‌کنندگان بین ۳۰ تا ۵۰ سال و سطح تحصیلات آنها دیپلم و بالاتر بود.

* e-mail: leylalida@yahoo.com

ابزار

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بانگ (SQ-SF): ۷۵ گویه این پرسشنامه توسط بانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است. هر پرسش بر یک مقیاس شش درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (یک برای کاملاً نادرست و شش برای کاملاً درست). اعتبار و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است. اشمیت و همکاران برای هر طرحواره ناسازگار اولیه ضریب آلفای از ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ به دست آوردند و ضریب باز آزمایی در جمعیت غیر بالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۴) در دانشگاه تهران انجام گرفته است و همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مونت ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ به دست آمده است. در پژوهش حاضر اعتبار متغیرها با روش همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ به شرح زیر به دست آمد: محرومیت هیجانی ۰/۹۲، طرد/ بی‌ثباتی ۰/۷۷، بی‌اعتمادی/ بذرقتاری ۰/۸۳، انزوی اجتماعی/ بیگانگی ۰/۹۳، نقص/ شرم ۰/۷۶، شکست ۰/۹۱، وابستگی/ بی‌کفایتی ۰/۸۶، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری ۰/۸۷، خودتحوّل نیافته/ گرفتار ۰/۹۴، اطاعت ۰/۷۴، فداکاری ۰/۷۹، بازداری هیجانی ۰/۸۳، معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی ۰/۷۶، استحقاق/ بزرگ‌منشی ۰/۷۴ و خودکنترلی ناکافی ۰/۸۶. روایی محتوا از طریق ۱۰ محقق مورد تایید قرار گرفته است.

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری دینا بامریند: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط دینا بامریند طراحی شد. ۳۰ پرسش این پرسشنامه سه شیوه فرزند پروری را می‌سنجد. الگوی پاسخ دهی به پرسش‌ها از مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت است (صفر برای کاملاً نادرست و چهار برای کاملاً درست). بر اساس نتایج بررسی‌های بوری (۱۹۹۱)، ضرایب اعتبار برای سبک‌های آسان‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۸ به دست آمده است. بی‌طرف، شعیری و حکیم‌جویی، ۱۳۸۹، در پژوهش خود در یک نمونه ۳۹۶ نفری از دانشجویان دانشگاه گیلان، ضرایب همسانی درونی پرسشنامه را برای شیوه‌های آسان‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۰ و ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. همچنین در پژوهش دانش، رضا بخش، بهمنی و سلیمی نیا (۱۳۹۰) که بر روی ۳۴۵ نفر از دانشجویان زن دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه آزاد واحد کرج اجرا شد ضریب آلفای کرونباخ برای سبک آسان‌گیرانه ۰/۷۶، برای سبک مستبدانه ۰/۷۹ و برای سبک مقتدرانه ۰/۸۴ به دست آمده است. در پژوهش حاضر اعتبار متغیرها با روش همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ به شرح زیر به دست آمد: شیوه آسان‌گیرانه ۰/۷۲، شیوه مستبدانه ۰/۷۶ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۰. روایی محتوا از طریق ۱۰ محقق مورد تایید قرار گرفته است.

شیوه‌ی اجرا

پس از آشنایی مادران با اهداف پژوهش و کسب اطمینان در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات و اعلام رضایت وارد پژوهش شدند. ابتدا پرسشنامه طرحواره ناسازگار بانگ و سپس پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند در اختیار آنها قرار گرفت. پس از جمع‌آوری داده‌ها از مدل رگرسیون چند متغیری استفاده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS انجام گردید.

نتایج

جهت پیش‌بینی سبک فرزندپروری مقتدرانه از روی بازداری هیجانی از رگرسیون ساده استفاده شد. نتایج رگرسیون نشان داد همبستگی چندگانه بین این دو متغیر ۰/۴۰ است و ۰/۱۴ درصد از سبک فرزندپروری را بازداری هیجانی تبیین می‌کند. همچنین مقدار $F_{1,48} = 9/33$ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و واریانس تبیین شده را تایید کرد. از آنجایی که مقدار بتای استاندارد شده ی رگرسیون ساده همان مقادیر همبستگی چندگانه است ضریب رگرسیونی گزارش نشده است. در رابطه با نتیجه بدست آمده می‌توان بیان داشت که ارتباط طرحواره بازداری هیجانی با متغیر وابسته (سبک فرزندپروری مقتدرانه) معکوس می‌باشد. به این معنی که هر چه بازداری هیجانی مادری بیشتر باشد کمتر از سبک فرزند پروری مقتدرانه استفاده می‌کند و برعکس هر چه بازداری هیجانی مادری کمتر باشد، بیشتر از سبک فرزند پروری مقتدرانه استفاده می‌کند.

بحث

خلاصه مدل رگرسیون در مورد پیش‌بینی سبک فرزندپروری مقتدرانه از طریق طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران کودکان مبتلا به بیش‌فعالی / نقص توجه نشان می‌دهد که مجذور همبستگی تطبیق یافته طرحواره بازداری هیجانی ۰/۱۴۵ است و به این معنی است که متغیر پیش‌بین (بازداری هیجانی) ۱۴/۵ درصد واریانس متغیر وابسته (سبک فرزندپروری مقتدرانه) را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل واریانس یکطرفه در مورد معنی داری رگرسیون پیش‌بینی سبک فرزندپروری مقتدرانه از طریق طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران کودکان مبتلا به بیش‌فعالی / نقص توجه نشان می‌دهد که سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است و بنابراین معنی دارد و به این معنی است که متغیر پیش‌بین (بازداری هیجانی) قدرت پیش‌بینی متغیر وابسته (سبک فرزندپروری مقتدرانه) را دارد. بنابراین باید گفت طرحواره بازداری هیجانی مادران کودکان مبتلا به بیش‌فعالی / نقص توجه، توانایی پیش‌بینی شیوه‌ی فرزند پروری مقتدرانه آنها را دارند. براساس جدول ضریب استاندارد شده Beta منفی است، می‌توان گفت ارتباط طرحواره بازداری هیجانی با متغیر وابسته (سبک فرزندپروری مقتدرانه) معکوس می‌باشد. به این معنی که هر چه بازداری هیجانی مادری بیشتر باشد کمتر از سبک فرزند پروری مقتدرانه استفاده می‌کند و برعکس هر چه بازداری هیجانی مادری کمتر باشد، بیشتر از سبک فرزند پروری مقتدرانه استفاده می‌کند. بر اساس چارچوب نظری بانگ طرحواره بازداری هیجانی در حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری قرار دارد که تاکید افراطی بر واپس زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخابهای خودانگیزه فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی که منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود، دارد. طرحواره‌های این حوزه به طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که در آنها عصبانیت، توقع و گاهی اوقات تنبیه مشاهده می‌شود. مادر دارای این طرحواره به منظور اجتناب از طرد دیگران و احساس شرمندگی، نسبت به بروز خشم، خوشحالی، محبت، بیان راحت و صریح احساسات و نیازهای شخصی بازداری دارد. بنابراین هر آنچه این طرحواره در مادر قوی‌تر باشد، کمتر از اقتدار لازم در مواجهه با کودک برخوردار است و شاید به تنبیه وی بپردازد و بالعکس.

طبق نظریه شیوه های فرزند پروری دایانا بامریندر شیوه فرزند پروری مقتدرانه که موفق ترین روش فرزند پروری است. والدین مقتدر، صمیمی و دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند. آنها قاطع اما دخالت گر و محدود کننده نیستند. شیوه های انضباطی آنها بجای تنبیهی بودن حمایت کننده است. این والدین در بعد محبت نیز عملکرد خوبی دارند و از ابراز محبت و علاقه دریغ نمی ورزند. بر طبق الگوی فرزند پروری شیفر بر اساس گرمی/ سردی و آزادی/ کنترل والدین با محبت و آزاد گذارنده که مطابق والدین مقتدر زیگلمن است، با محبت و گرمی و برون ریزی هیجانی مناسب با کودک برخورد می کنند. این نتایج کاملاً با چارچوب نظری یانگ همسویی دارد. یانگ معتقد است رفتارهای ناسازگار از طرحواره نشأت گرفته و در پاسخ به طرحواره به وجود می آیند. طرحواره ها حالت ابعادی دارند، بدین معنا که از نظر "شدت" و "گستره" فعالیت در ذهن "با یکدیگر فرق دارند. هر چه طرحواره شدیدتر باشد، شمار بیشتری از موقعیتها آن را فعال ساخته و عواطف منفی بیشتری را تجربه می کند. در واقع هر چقدر شدت و گستره فعالیت ذهنی طرحواره ناسازگار اولیه با زداری هیجانی مادری کمتر باشد بیشتر می تواند از سبک فرزند پروری مقتدرانه استفاده نماید و بالعکس.

منابع

- ایلک، فرانسیس؛ بیکر، سیدنی و باتس آمز، لوئیس (۶). رفتار کودک. ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۸۷). تهران: شباهنگ.
- برک، لورا (۴). روانشناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۲). تهران: ارسباران.
- سادوک، بنجامین؛ سادوک، جیمز و آلکوت، ویرجینیا (۱۹۹۴). خلاصه روانپزشکی در علوم رفتاری، روانشناسی بالینی. ترجمه حسن رفیعی (۱۳۸۶). تهران: ارجمند.
- دیویسون، کرینگ و میل، جانسون (۲۰۰۷). XXX. ترجمه ... شمسی پور (۱۳۹۱)
- شولتز، دوان بی و شولتز، سیدنی آلن (۴). نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۱). تهران: ویرایش.
- شهامت، فاطمه، ثابتی، علیرضا، رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار اولیه. مجله مطالعات تربیتی و روان شناسی، ۱۱ (۲)، ۲۴۵-۲۳۹.
- ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون، آلتا کارول و کانجر، جان ج وی. (۴). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسای (۱۳۸۴). تهران: مرکز.
- یانگ، جفری، کلوکسو، ژانت و ویشار، مارجوری (۴). طرحواره های ناسازگار اولیه. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۱). تهران: ارجمندی.